

مقایسه تطبیقی تغییرات زمان فعل در گویش کردی ایلامی و زبان فارسی

ابراهیم شاکلی^۱

علی جمالی^۲

چکیده

امروزه تعداد زیادی از جمعیت جهان به زبان کردی صحبت می‌کنند. گویش‌های عمده این زبان شامل سورانی، کرمانجی، اورامی-گورانی و کردی جنوبی هستند که هر کدام، لهجه‌ها و زیرگویش‌های مخصوص به خود را دارند. این تحقیق با تأکید بر «کردی ایلامی» (که گاه نیز کردی فیلی نامیده می‌شود) از گویش‌های کردی جنوبی انجام شده است که زبان رایج در بسیاری از مناطق استان ایلام و بخش‌هایی از کشور عراق مانند خانقین و مندلی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی (مقابله‌ای) انجام شده و به بررسی وجود اشتراک و افتراق زمان فعل در گویش کردی ایلامی و زبان فارسی پرداخته است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که در ساختار انواع فعل در هر دو زبان مورد بررسی، هم تشابه و هم تفاوت وجود دارد و بیشترین تفاوت‌ها به شناسه‌ها، معادل‌های زمانی، افعال و صیغه‌های دوم شخص و سوم شخص جمع برمی‌گردد. جمع‌آوری داده‌ها به منظور تحلیل و مقایسه ساخت معلوم و مجهول نیز به روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شد. در روش میدانی، با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته، معادل کردی سی جمله معلوم و مجهول فارسی، از ۱۲ گویشور کردی فیلی ساکن در شهرستان ایلام - که اکثراً بیسواد یا کم‌سواد بودند- به دست آمد. نتیجه این بررسی حاکی از آن است که مجهول در گویش کردی ایلامی ساختی مستقل دارد.

واژگان کلیدی: زبان کردی، گویش فیلی، زبان فارسی، زمان فعل، ساختار فعل.



زبان کردی یک زنجیره گویشی از زبان‌های هندواروپایی در شاخه زبان‌های ایرانی شمال غربی است که کردها هم اکنون با آنها سخن می‌گویند. این زبان در کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه گویشوران بسیاری دارد. کرمانجی، سورانی (کرمانجی جنوبی)، اورامی - گورانی و کردی جنوبی، گویش‌های اصلی زبان کردی هستند که هر یک از آنها شامل زیرگویش‌ها و لهجه‌های متعددی می‌شود (آزادی، ۱۴۰۱: ۲).

کردی جنوبی «زبان کردهای شیعه‌مذهب است که زمانی در پیوند با کردی هورامی زبان معیار شعری کردها را تشکیل می‌داده است و گویشوران میلیونی دارد و دامنه گویشوارانش به انبوهی در ایران و عراق گسترده است» (منصوری جمشیدی، ۱۳۹۳: ۱۲). کردی ایلامی که در برخی از منابع، کردی فیلی نیز نامیده می‌شود، در ایلام و بعضی از نقاط کشور عراق متداول است و مهمترین لهجه‌های آن، علاوه بر ایلامی، عبارتند از: ملکشاهی، خزلی، پهله‌ای، بیرهای و ... گویش ایلامی مانند دیگر گویش‌ها تابع قواعد و دستور زبان کردی است؛ زیرا با دیگر گویش‌های کردی رابطه خویشاوندی دارد. در این تحقیق سعی بر آن است که این قواعد و دستور مد نظر قرار گیرد و با زبان فارسی مقایسه شود. پیشتر کارهای متعددی و مشابهی (که در بخش پیشینه تحقیق به تعدادی از آنها اشاره می‌شود) انجام شده است؛ ضرورت انجام این پژوهش در این است که قوانین ثابت و قابل استنادی را برای زبان کردی گویش ایلامی معرفی کند و صرف زمان فعل و ساختارهای معلوم و مجهول را در موارد متفاوت با زبان فارسی نشان دهد.

یکی از ساخت‌هایی که در میان زبان‌شناسان به ساختی بحث‌برانگیز معروف است، ساخت مجهول است. بسیاری بر این باورند که ملاک برای قائل بودن به این ساخت در یک زبان این است که بتوان صورت و صیغه‌ای خاص برای آن در زبان مورد نظر پیدا کرد. بر این اساس، برخی از زبان‌شناسان معتقدند که در زبان فارسی، ساخت مجهول وجود ندارد و آن را به عنوان فعلی ناقص (خیامپور، ۱۳۵۲)، ساختی ناگذر (معین، ۱۹۷۴) یا فعلی مرکب (واحدی لنگرودی، ۱۳۷۷) به حساب آورده‌اند. برخی از پژوهشگران نیز وجود آن را قبول کرده و برای آن دسته‌بندی‌هایی ارائه نموده‌اند (باطنی، ۱۳۸۵؛ لمبتون، ۱۹۸۴؛ دبیرمقدم، ۱۳۶۴؛ طیب، ۲۰۰۱؛ پاکروان، ۱۳۸۱).

در میان کسانی که ساخت مجهول را پذیرفته‌اند، تفسیرهای متفاوتی وجود دارد؛ خیامپور (۱۳۵۲) از این جهت مجهول را انکار کرده است که در زبان فارسی، فعل، صیغه خاصی برای بیان آن ندارد. معین (۱۹۷۴) نیز ادعا نموده است که مجهول در زبان فارسی نوین وجود ندارد و تمام مواردی که مجهول خوانده می‌شوند، در واقع ساخت ناگذر هستند.

زبان‌شناسانی که وجود ساخت مجهول را پذیرفته‌اند، دلایل و نظرات متفاوتی را جهت اثبات ادعای خود بیان نموده‌اند. برخی از آنها (دبیرمقدم، ۱۳۶۴: ۳۱ و مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۲۵) ساخت مجهول را تقریباً متشکل از اسم مفعول و فعل کمکی «شدن» می‌دانند. برخی از زبان‌شناسان در کنار این ساخت، ساخت‌های دیگری را نیز مجهول به حساب آورده‌اند. یکی از این ساخت‌ها،



جملاتی است که فاقد فاعل هستند و شناسه فعل به صورت سوم شخص جمع بروز پیدا می‌کند (باطنی، ۱۳۴۸؛ وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶؛ طیب، ۲۰۰۱؛ پاکروان، ۱۳۸۱).

سؤالات پژوهش

سؤالاتی که این پژوهش به آنها پاسخ می‌دهد، عبارتند از:

۱. آیا می‌توان ساخت‌های دستوری مشخصی را برای صرف زمان فعل در گویش کردی ایلامی در تقابل با زبان فارسی معرفی کرد؟
۲. آیا ساختارهای جملات معلوم و مجهول در زبان کردی گویش ایلامی با زبان فارسی متفاوت است؟
۳. وجوه اشتراک صرف زمان فعل در گویش کردی ایلامی با فارسی چیست؟
۴. وجوه افتراق صرف زمان فعل در گویش کردی ایلامی با فارسی چیست؟

پیشینه پژوهش

مطالعاتی که در زمینه قواعد دستور زبان کردی انجام گرفته، قابل توجه‌اند و در ذیل معرفی می‌شوند:

آزادی (۱۴۰۱) در مقاله خود به «مقایسه وجه فعل در گویش‌های کردی فیلی و کردی کلهری از گویش‌های کردی جنوبی» پرداخته و نشان داده است که در قواعد صرفی گویش‌های مورد بررسی، به علت خویشاوندی شباهت‌های بسیاری وجود دارد. وی همچنین به این نتیجه رسیده است که عمده تمایزهای موجود، در شناسه‌ها و هنگام صرف افعال در صیغه‌های دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد خود را نشان می‌دهند.

امامی و سبزه (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه نظام آوایی گویش کرمانجی خراسانی و کردی ایلامی» به این نتیجه دست یافته‌اند که گویش کرمانجی خراسانی برخلاف گویش کردی ایلامی، «ساخت ارگاتیو» و «جنس» را که از مهمترین ویژگی‌های گویش‌های کردی شمالی هستند، در خود حفظ کرده است.

کریمی و نقشبندی (۱۳۹۰) نیز به بررسی «ساخت‌های فعل استمراری - تأکیدی در گویش هورامی» پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ساخت‌های مورد بررسی، از پیوند نحوی افعال مضارع اخباری، ماضی استمراری و ماضی ساده با مصدر سازنده این افعال تشکیل می‌شود.

کریمی دوستان و ویسی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «حفظ یک ماده‌ساز باستانی در ساخت مجهول در زبان کردی»، به مطالعه در مورد تاریخچه ساخت جملات مجهول در زبان کردی پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که ساخت جملات مجهول در زبان کردی به سالها پیش برمی‌گردد.

شیری (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان «صرف فعل در گویش ایلامی» انجام داده است و صرف



فعل، معرفی شناسه‌ها و زمان فعل، مباحث اصلی نوشته‌ی وی را تشکیل می‌دهند.

همانطور که ملاحظه شد، مقایسه‌ی صرف زمان فعل در گویش کردی ایلامی با زبان فارسی و تقابل جملات معلوم و مجهول در این دو زبان، محورهای اصلی و خاص پژوهش حاضر هستند و در هیچکدام از پژوهش‌های مذکور چنین مقایسه‌ای انجام نشده است.

مبانی نظری

یکی از مؤثرترین روش‌های مطالعاتی در زبان‌شناسی، روش همزمانی دو یا چند زبان است (کاتامبا، ۱۹۹۳: ۲۲۱). مبانی نظری در این پژوهش که مبتنی بر مطالعه‌ی مقابله‌ای دو زبان فارسی و گویش کردی ایلامی است؛ همزمانی می‌باشد؛ یعنی مطالعه‌ی حاضر ویژگی‌های جملات و ساختارهای استفاده شده در هر دو زبان را موازی با هم می‌سنجد. با رجوع به مثال‌ها و الگوهای ذکر شده در این پژوهش برای هر دو زبان می‌توان نتایج قابل استنادی را با توجه به دیدگاه‌های دیگر پژوهشگران عنوان کرد.

این پژوهش از نوع کیفی است و جمع‌آوری داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای و مصاحبه با گویشوران کرد ایلامی، که سال‌ها ساکن محله‌ی شادآباد ایلام بوده‌اند، صورت گرفت. در روش مصاحبه، پژوهشگر، جملاتی را که از پیش طراحی کرده بود تا به عنوان شاهد مثال در متن ذکر کند، در اختیار ۱۲ نفر، که ۴۵ ساله با بالا بودند، قرار داد و از آنها خواست که این جملات را با گویش روزمره‌ی خود بیان کنند تا وی آنها را به همان صورت یادداشت کند.

بحث اصلی

۱. وجه فعل

فعل پایه و ستون جمله است، ارکان و اجزای جمله را به هم می‌بافد و به نهاد نسبت می‌دهد و سرنوشت نهاد و جمله را رقم می‌زند (عشوری، ۱۳۸۱؛ به نقل از خزلی و آزادی، ۱۳۹۷: ۴۴).

محمدرضا باطنی (۱۳۸۵) عناصر وجهی را در سه گروه جمله‌ای، زیرجمله‌ای و گفتمانی طبقه‌بندی می‌کند. فعل‌های وجهی و قیده‌های وجهی جمله را در گروه جمله‌ای، صفات و اسم‌های وجهی و وجه فعل را در دسته‌ی زیرجمله‌ای و بعضی موارد را در دسته‌ی سوم قرار می‌دهد (اکبری و ولی‌پور، ۱۳۹۵: ۳). قریب (۱۳۸۸) نیز اصطلاح وجه را در شش مقوله بیان می‌کند: اخباری، ۲ التزامی، امری، شرطی، وصفی و مصدری.

۱-۱. ساختارهای زمان حال در گویش کردی ایلامی و فارسی

حال ساده: فعلی است که معمولاً بر زمان حال یا آینده دلالت دارد. «در گویش ایلامی، صیغه‌های دوم شخص جمع و سوم شخص جمع در مضارع ساده، ساخت یکسانی دارند»



(آزادی، ۱۴۰۱: ۱۴). از آنجایی که کاربرد این فعل در گفتار و نوشتار روزانه مردم، کمرنگ شده است، ساختار اخباری آن در جدول زیر بررسی می‌شود. جدول زیر نشانگر تقابل این زمان در فارسی و کردی ایلامی است.

جدول شماره (۱). مضارع اخباری در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	می‌روم	می‌رویم
	دوم شخص	می‌روی	می‌روید
	سوم شخص	می‌رود	می‌روند
کردی ایلامی	اول شخص	چم / čəm	چیم (چیمین) / čim(-en)
	دوم شخص	چی (چیت) / čī(-t)	چن / čən
	سوم شخص	چوو (چووک) / ču(g)	چن / čən

همانطور که در جدول مشخص است:

الف) ساخت دوم شخص و سوم شخص جمع در کردی ایلامی مشابه است.

ب) در دوم شخص مفرد، اضافه کردن «ت/t» به آخر فعل اختیاری است و مختص به منطقه خاصی در استان نیست؛

ج) در سوم شخص مفرد، اضافه کردن «گ/g» به آخر فعل نیز اختیاری است؛

د) در اول شخص جمع نیز اضافه کردن «ن/en» به آخر فعل اختیاری است.

در زبان فارسی ساختار فعل مضارع «می+ بن مضارع + شناسه» است؛ در حالی که در کردی ایلامی ساختار آن به گونه‌ای دیگر است.

چند مثال:

۱. ما امروز یک کتاب می‌خریم؛ سپس کتاب را به تو می‌دهیم.

- ئیمه ئمؤوو کتاو ط سطنیم (سطنیمین)، ئطگل کتاوه دیمنه ط ت.

ima əmru kətawê sênim(-ən), êgəl kətawa dim(-ən)ə tə.

۲. رایان هر روز صبح شیر می‌نوشد.

- وایان هەر شه‌وه کیان شیر خوهر ط (خوهرطگ)

Râyân har şawakəyân şir xwəê(g)

مضارع مستمر: این فعل برای کاری که هم‌اکنون در حال انجام است استفاده می‌شود (و حیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۶: ۴۴)؛ در واقع کلمه مستمر دال بر استمرار و ادامه دادن دارد.



جدول شماره (۲). حال استمراری در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	دارم می‌خوانم	داریم می‌خوانیم
	دوم شخص	داری می‌خوانی	دارید می‌خوانید
	سوم شخص	دارد می‌خواند	دارند می‌خوانند
کردی ایلامی	اول شخص	دیرم خوه‌نم / dêrəm xwanəm	دیریم (دیریمن) خوه‌نیم (خوه‌نیمن) / dêrim(-ən) xwanim(-ən)
	دوم شخص	دیری خوه‌نی (خوه‌نیت) / dêri xwani(-t)	دیرن خوه‌نن / dêrən xwanən
	سوم شخص	دیری (دیریگ) خوه‌نی (خوه‌نیگ) / dêrê(g) xwanê(g)	دیرن خوه‌نن / dêrən xwanən

این فعل از صرف فعل مضارع ساده «داشتن» به علاوه مضارع اخباری ساخته می‌شود. نوع ترکیب در هر دو زبان فارسی و کردی ایلامی مشابه است و تفاوت‌ها تقریباً همان موارد گفته شده در مضارع اخباری است.

الف) «ت/t» در دوم شخص مفرد در گویش کردی ایلامی، تنوع تلفظی را در چهار حالت به وجود می‌آورد؛ در حالی که همگی یک مفهوم را انتقال می‌دهند؛ به هر حال از این چهار احتمال، مرسوم‌ترین کاربرد مربوط به استفاده نکردن از «ت/t» در هر دو بخش فعل است. بنگرید به چهار حالت فعل «داری می‌آیی» به گویش کردی ایلامی:

- دیری دیای / dêri diâi (مرسوم‌ترین استفاده)

- دیریت دیایت / dêrit diâit (استفاده کمتر)

- دیریت دیای / dêrit diâi (استفاده کمتر)

- دیری دیایت / dêri diâit (استفاده کمتر)

این ساخت در سوم شخص مفرد نیز با استفاده از «گ/g» و در اول شخص جمع با استفاده از «ن/ən» اعمال می‌شود.

ب) باز هم می‌بینیم که صیغه‌های دوم شخص و سوم شخص جمع در گویش کردی ایلامی مشابه‌اند؛ در حالی که در زبان فارسی با هم تفاوت دارند.

مثال‌های بیشتر:

زبان فارسی: رایان دارد شلوارش را می‌پوشد.

گویش کردی ایلامی: رایان دیری (دیریگ) شواله‌ی که یگه پا / Râyân dêrê(g) šwâtaê

kaÿga pâ



مضارع التزامی: به گفته نائل خانلری (۱۳۵۲: ۳۵) «وقوع یک وجه التزامی همیشه وابسته به وقوع فعل دیگر است؛ به این سبب آنها را التزامی می‌خوانیم. التزام یعنی وابسته بودن. فعل مضارع التزامی در زبان فارسی از جزء پیشین به علاوه بن مضارع و شناسه ساخته می‌شود (آزادی، ۱۴۰۱: ۱۹).

جدول شماره (۳). مضارع التزامی در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	بخرم	بخیریم
	دوم شخص	بخری	بخرید
	سوم شخص	بخرد	بخرند
کردی ایلامی	اول شخص	bəsênam / بستینم	bəsênim (-ən) / بستینیم (بستینم)
	دوم شخص	bəsêni (-t) / بستینی (بستینیت)	bəsênan / بستینن
	سوم شخص	bəsêne(-g) / بستینی (بستینیتگ)	bəsênan / بستینن

وجه التزامی ممکن است به خودی خود مفهوم کاملی را منتقل نکند؛ اما با قرار گرفتن در موقعیت امید و آرزو، احتمال یا شرط، می‌تواند مفهوم کاملتری داشته باشد؛ به عنوان مثال:

الف) امید و آرزو: ای کاش فردا آن را بخرم.

- خواهشال سوو بستینمه/ *xwašâl su bəsênamaê*

ب) احتمال: شاید پسر من آن کتاب را بخرد.

- شایهه کورهه ئهه کتاوه بستینی/ *šâyad kwêram ow ketâwa bəsinê (-g)*

ج) شرطی: اگر باران ببارد، در خانه می‌مانیم.

- ئهه/ ئهه گهه وارن بوواری (بوواریگ)، ده مال وسیم/

ar/agar wârân bowârê(-g), da mâl wəsim(-ən)

۲-۱. ساختارهای زمان ماضی در زبان فارسی و کردی ایلامی

ماضی ساده: فعل گذشته ساده یا ماضی مطلق از انجام گرفتن کاری در زمان گذشته خبر می‌دهد (نائل خانلری، ۱۳۵۲: ۳۳) در جدول زیر این زمان بررسی می‌شود.



جدول شماره (۴). ماضی ساده

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	خوابیدم	خوابیدیم
	دوم شخص	خوابیدی	خوابیدید
	سوم شخص	خوابید	خوابیدند
کردی ایلامی	اول شخص	خهفتم / xaftəm	خهفتیم (خهفتیمین) / xaftim(-ən)
	دوم شخص	خهفتی (خهفتیت) / xafti(-t)	خهفتن / xaftən
	سوم شخص	خهفت / xaft	خهفتن / xaftən

الف) این فعل در زبان فارسی از بن ماضی با افزودن شناسه‌ها ساخته می‌شود و در صیغه سوم شخص مفرد، شناسه ندارد و همان بن ماضی است (آزادی، ۱۴۰۱: ۶).

ب) مانند آنچه در زمان حال داشتیم، در دوم شخص مفرد، اضافه کردن «t» به آخر کلمه و در اول شخص جمع، اضافه کردن «ən» اختیاری است. تفاوت این زمان در سوم شخص مفرد است که همانند فارسی در آن از بن ماضی استفاده می‌شود.

مثال‌های دیگر:

۱. زبان فارسی: احمد یک نان ساجی خرید.

گویش کردی ایلامی: ئه‌حمده یه ئ نان ساجی سه‌ن / Ahmad yaÿ nân sâji san

۲. زبان فارسی: سال گذشته یک گربه سفید به تو دادم.

گویش کردی ایلامی: پاره‌که پشی چه‌رمگئی دامه‌ت / pâra-ka pəši çərmegê dâmat

گذشته استمراری: فعل ماضی استمراری برای بیان عملی که در گذشته به صورت مستمر ادامه داشته و برای بیان عادت در گذشته استفاده می‌شود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰: ۵۴).

به نظر ناتل خانلری (۱۳۵۲: ۳۴)، «در این صیغه، لحظه تمام شدن فعل مشخص نیست».

جدول شماره (۵). ماضی استمراری در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	می‌خواندم	می‌خواندیم
	دوم شخص	می‌خواندی	می‌خواندید
	سوم شخص	می‌خواند	می‌خواندند
کردی ایلامی	اول شخص	دخوه‌نسم / dəxwanəsəm	دخوه‌نسیم (دخوه‌نسیمین) / dəxwanəsīm(ən)
	دوم شخص	دخوه‌نسی (دخوه‌نسیت) / dəxwanəsī(-t)	دخوه‌نسن / dəxwanəsən
	سوم شخص	دخوه‌نس / dəxwanəs	دخوه‌نسن / dəxwanəsən



الف) ماضی استمراری در فارسی با اضافه کردن «می» به ابتدای فعل ماضی ساده ساخته می‌شود (ناتل خانلری، ۱۳۵۲: ۳۵) و در کردی ایلامی، برای بیان استمرار فعل در گذشته از حرف «də/d» قبل از فعل ماضی ساده (د + بن + شناسه) استفاده می‌شود (آزادی، ۱۴۰۱: ۷).

ساخت دیگری نیز وجود دارد که بعضی از گویشواران کردی ایلامی و کلهری از آن استفاده می‌کنند و آن هم (بن ماضی + یا + شناسه) است که می‌توان آن را مختص گویش کلهری دانست (همان: ۷)؛ مثال:

فارسی: می‌خوردم.

کردی ایلامی: دخوردم / dəxwārdəm

کردی کلهری: خواردیام / (xwārdyâm)

ب) آنچه در این ساختار، بین فارسی و کردی ایلامی مشترک است این است که در هر دو زبان، علامت استمرار وجود دارد که در فارسی «می» و در کردی ایلامی «də» است.

چند مثال:

زبان فارسی: من آواز می‌خواندم و از صدای خودم لذت می‌بردم.

کردی ایلامی: م گوورانی دچریم و ئه‌را دهنگ خوهم که‌یف دکردم / mə gurâni dəçerim u /
ařâ dang-e xwam kaÿf dekerdəm

ماضی نقلی: در فعل ماضی نقلی گفتگو از فعلی است که در گذشته واقع شده است؛ اما اثر و نتیجه آن تا زمان حال نیز باقی است (ناتل خانلری، ۱۳۵۲: ۳۵).

جدول شماره (۶). ماضی نقلی در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	گرفته‌ام	گرفته‌ایم
	دوم شخص	گرفته‌ای	گرفته‌اید
	سوم شخص	گرفته است	گرفته‌اند
کردی ایلامی	اول شخص	گرتمه / gərtəma	گرتیمه (گرتیمنه) / gərtim(-ən)a
	دوم شخص	گرتیته / gərtita	گرتنه / gərtəna
	سوم شخص	گرتگه / gərtəga	گرتنه / gərtəna

الف) در زبان فارسی، فعل ماضی نقلی از «صفت مفعولی + ام، ای، است، ایم، اید، اند» ساخته می‌شود.

ب) در کردی ایلامی این فعل با اضافه کردن «a/ə» به پایان فعل ماضی ساده ساخته می‌شود (آزادی، ۱۴۰۱: ۹). لازم به ذکر است که در صیغه سوم شخص مفرد، پیش از افزودن «a/ə» به بن ماضی ساده، حرف «g/گ» به عنوان میانجی قرار می‌گیرد (همان).



مثال‌های دیگر:

فارسی: رایان ناهار خورده است.

کردی ایلامی: رایان نهار خواردگه / Râyân nêhâr xwârdêga

ماضی بعید: ماضی بعید در زبان فارسی، از صفت مفعولی (بن ماضی + ه) و ماضی ساده فعل «بودن» ساخته می‌شود و برای بیان فعلی که در گذشته دور اتفاق افتاده و بیان فعلی که پیشتر از فعل دیگری روی داده است، به کار می‌رود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰: ۵۶).

جدول شماره (۷). ماضی بعید در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	خوابیده بودم	خوابیده بودیم
	دوم شخص	خوابیده بودی	خوابیده بودید
	سوم شخص	خوابیده بود	خوابیده بودند
کردی ایلامی	اول شخص	خهفتۆم / xaftüm	خهفتۆمن / xaftümən
	دوم شخص	خهفتۆت / xaftüt	خهفتۆن / xaftün
	سوم شخص	خهفتۆ (خهفتۆگ) / xaftü(-g)	خهفتۆن / xaftün

الف) در گویش کردی ایلامی، این فعل با اضافه کردن حرف «ۆ/ü» به بن ماضی فعل و افزودن شناسه‌ها ساخته می‌شود (آزادی، ۱۴۰۱: ۱۰).

ب: در صیغه اول شخص جمع در ماضی بعید، انتخاب بین دو حالت وجود ندارد و فقط ساختار بن مضارع ساده $mən + ü$ وجود دارد؛ مثال:

فارسی: قبل از اینکه تو بیای، ما شام خورده بودیم.

کردی ایلامی: وه‌رجه یه ت بیای، ئیمه شام خواردۆمن / warja ya tə bəyâi, ima šâm

xwârdümən

ماضی مستمر: ماضی مستمر یا ماضی ملموس با آوردن ماضی ساده فعل «داشتن» به ابتدای ماضی استمراری ساخته می‌شود (همان: ۱۲).



جدول شماره (۸). ماضی مستمر در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	داشتم می‌شستم	داشتیم می‌شستیم
	دوم شخص	داشتی می‌شستی	داشتید می‌شستید
	سوم شخص	داشت می‌شست	داشتند می‌شستند
کردی ایلامی	اول شخص	داشتم دشوورتم / dāštəm dəšurtəm	داشتیم (داشتیمین) دشوور تیم (دشوور تیمین) / dāštīm(-ən) dəšurtīm(-ən)
	دوم شخص	داشتی (داشتید) دشوور تی (دشوور تید) / dāšti(-d) dəšurti(-d)	داشتن دشوور تن / dāštən dəšurtən
	سوم شخص	داشت دشوورت / dāšt dəšurt	داشتن دشوور تن / dāštən dəšurtən

همانطور که در جدول مشخص است، تمام نکات گفته شده در مورد ماضی استمراری در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی، در مورد ماضی مستمر نیز صادق است؛ با این تفاوت که به ابتدای آن، فعل «داشتن» و شناسه‌های متناسب با این زمان اضافه می‌شود؛ مثال:

فارسی: آنها داشتند خانه را می‌فروختند

کردی ایلامی: ئه‌وانه داشتن مآله دفر ووشان / (a-)wāna dāštən mālā dəfərušān

ماضی التزامی: این زمان وقوع فعل را در گذشته همراه با شک و تردید و آرزو و تمنا نشان می‌دهد؛ بیان فعل همراه با شرط از موارد کاربرد این فعل در زبان فارسی است (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۹).

جدول شماره (۹). ماضی التزامی در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	نوشته باشم	نوشته باشیم
	دوم شخص	نوشته باشی	نوشته باشید
	سوم شخص	نوشته باشد	نوشته باشند
کردی ایلامی	اول شخص	بتوسام / bənūsām	بتوساییم (بتوساییمین) / bənūsāyīm(-en)
	دوم شخص	بتوسای / bənūsāy	بتوسان / bənūsān
	سوم شخص	بتوسیا / bənūsāyā	بتوسان / bənūsān

الف) ماضی التزامی در زبان فارسی از «صفت مفعولی + مضارع ساده (باش) + شناسه» ساخته می‌شود (آزادی ۱۴۰۱: ۲۲).

ب) در گویش کردی ایلامی و در اول شخص و دوم شخص می‌توان «ی/ی» را نیز قبل از «ا/ا»



اضافه کرد که هر دو بیان فعل محتمل است؛ مثال:

فارسی: آمده باشم.

کردی ایلامی: بطاتیام/ بطاتام *bəyâtâm/ bəyâtyâm*

(ج) اگر بخواهیم ساختاری را برای این زمان پیشنهاد دهیم می توان گفت «*bə* + بن فعل ماضی + *â* + شناسه» بهترین حالت است.

(د) در این زمان می توان تفاوت ساختاری بین صیغه های دوم شخص جمع و سوم شخص جمع مشاهده کرد.

(ه) ماضی التزامی را اگر در ساختار جمله استفاده کنیم یک ساخت دیگر نیز می توان برای آن معرفی کرد؛

مثال: اگر هم کتاب را خریده باشم چیزی یادم نمی آید.

کردی: حالت اول: نه گهر هم کتاوه سه نۆم، چیشتی وه هۆرم نیای / *agar ham kotâwa sanüm, cêştê wa hürəm nyây*

حالت دوم: نه گهر هم کتاوه بسه نام (بسه ناتام)، چیشتی وه هۆرم نیای / *agar ham kotâwa bəsanâ(-tâ)m, cêştê wa hürəm nyây*

۳-۱. ساختارهای زمان آینده در زبان فارسی و کردی ایلامی

زمان آینده: در زبان فارسی فعل مستقبل یا آینده، از مضارع ساده فعل «خواستن» به همراه بن ماضی فعل اصلی ساخته می شود؛ مانند خواهیم رفت، خواهی رفت (همان: ۱۸). از این فعل برای بیان وقوع فعل در زمان آینده و در جمله های پیرو برای بیان جزای شرط استفاده می شود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰: ۶۶).

جدول شماره (۱۰). زمان مستقبل در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص	مفرد	جمع
فارسی	اول شخص	خواهم فروخت	خواهیم فروخت
	دوم شخص	خواهی فروخت	خواهید فروخت
	سوم شخص	خواهد فروخت	خواهند فروخت
کردی ایلامی	اول شخص	فرووشم / <i>fərušəm</i>	فرووشیم (فرووشیمن) / <i>fərušim (-ən)</i>
	دوم شخص	فرووشی (فرووشیت) / <i>fəruši(-t)</i>	فرووشن / <i>fərušən</i>
	سوم شخص	فرووشی (فرووشیگ) / <i>fərušê(-g)</i>	فرووشن / <i>fərušən</i>

الف) امروزه استفاده از ساخت آینده بسیار کم شده است و به جای آن معمولاً از مضارع اخباری استفاده می شود (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۶: ۴۶).

ب) برای فهم بهتر و تحلیل این صیغه، بهتر است که مقایسه بین سه زبان در نظر گرفته شود؛ مثال:



فارسی: من فردا به تهران خواهم رفت.

I will go to Tehran tomorrow: انگلیسی

کردی ایلامی: م سوو ئه‌را ته‌یران چم / mə su afâ taêrân čəm

با توجه به سه جمله بالا، «خواهم رفت» در زبان فارسی و **will go** در زبان انگلیسی صرفاً نشان‌دهنده زمان آینده هستند؛ در حالی که در گویش کردی ایلامی، معادل مستقلى وجود ندارد که نشان‌دهنده زمان مستقبل باشد و از همان صیغه حال ساده استفاده می‌شود؛ علاوه بر آن، «**xwâz** + شناسه + مضارع التزامی» بیشتر معادل ساخت زیر در زبان انگلیسی است:

To be + going to + simple verb (فعل To be + going to + فعل ساده)

Want + to + simple verb (Want + to + فعل ساده)

مثال:

باوگم خوازى (خوازنگ) بخه‌فئ (بخه‌فئگ) / bâwgəm xwâzê(-g) bəxafê(g)

که معادل دو جمله زیر در زبان انگلیسی است:

۱. My father wants to sleep.

۲. My father is going to sleep.

۲. جملات معلوم و مجهول در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

کریمی دوستان و ویسی (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان داده‌اند که برخلاف زبان فارسی، در زبان کردی برای ساخت مجهول، فعل کمکی به فعل اصلی اضافه نمی‌شود و فقط با تغییرات ساختوازی فعل به حالت مجهولی در می‌آید. آنها همچنین نشان داده‌اند که ماده مجهول‌ساز **ya-** که در ساخت‌های مجهولی ساختوازی در زبان‌های ایرانی باستان به ریشه فعل اضافه می‌شود و ماده مجهول تشکیل می‌دهد به صورت‌های **ya-** و **yâ-** در گویش‌های مختلف زبان کردی و از جمله کردی ایلامی باقی مانده است.

مقایسه اجمالی تغییرات فعل در جملات مجهول نسبت به جملات معلوم در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی قابل توجه است؛ «به طور کلی فعل‌ها از جهت احراز فاعل، مفعول و تمیز به شش دسته تقسیم می‌شوند» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۷) که در ادامه با بیان مثال‌هایی به آنها پرداخته می‌شود و معادل کردی ایلامی آنها ذکر می‌گردد:

۱. فعل‌های ربطی که فاعل نمی‌گیرند؛ بلکه مسند را به نهاد نسبت می‌دهند:

فارسی: هوا روشن است.

کردی ایلامی: هه‌وا رووشنه / hawâ rušəna

۲. فعل‌های متعدی که هم نهاد (فاعل) و هم مفعول می‌گیرند:



فارسی: علی کتاب را آورد.

کردی ایلامی: عهلی کتاوه هاورد / *Ali kətâwa hâwərd*

۳. فعل های لازم که فقط نهاد (فاعل) می گیرند.

فارسی: علی آمد.

کردی ایلامی: عهلی هات / *Ali hât*

۴. فعل های دو وجهی که گاهی مفعول می گیرند و گاهی نمی گیرند:

فارسی: علی شیشه را شکست. // شیشه شکست.

کردی ایلامی: عهلی شیشه گه شکان // شیشه گه شکیا / *Ali šišaga šəkân // šišaga øšekayâ*

۵. فعل هایی که علاوه بر فاعل و مفعول، تمیز نیز می گیرند:

فارسی: همدان را در قدیم اکباتان می نامیدند.

کردی ایلامی: هه مه دان نه وسا دو تنه ی اکباتان / *Hamadân awsâ dəwətənaŷ əkbâtân*

۶. فعل های سببی که علاوه بر فاعل و مفعول، به متمم هم نیاز دارند:

فارسی: علی غذا را به بچه خوراند.

کردی ایلامی: عهلی غه زاگه دا خوورد به چه / *Ali qazâga dâ xwərdə bača*

از فعل لازم نمی توان فعل مجهول ساخت؛ مثلاً نمی توان گفت «رفته شد». فعل مجهول از صفت مفعولی فعل اصلی (بن ماضی + ه) و ساخت های مختلف فعل معین (شدن) ساخته می شود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰: ۶۹).

در جدول های زیر، به مقایسه ساختار فعل در زمان های مختلف در دو حالت معلوم و مجهول در دو زبان فارسی و کردی گویش ایلامی پرداخته می شود:



جدول شماره (۱۱). معلوم و مجهول فعل مضارع اخباری در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص / مفعول	معلوم	مجهول
فارسی	اول شخص مفرد	رایان من را می‌زند	(من) زده می‌شوم
	دوم شخص مفرد	رایان تو را می‌زند	(تو) زده می‌شوی
	سوم شخص مفرد	رایان علی را می‌زند	علی زده می‌شود
	اول شخص جمع	رایان ما را می‌زند	(ما) زده می‌شویم
	دوم شخص جمع	رایان شما را می‌زند	(شما) زده می‌شوید
	سوم شخص جمع	رایان آنها را می‌زند	(آنها) زده می‌شوند
کردی ایلامی	اول شخص مفرد	رایان م کوشی (کوشیگ) / رایان کوشیگه م Râyân kwəšêgam/ Râyân mə kwəšê(g)	م کوشرم / (me) kwəšəram
	دوم شخص مفرد	رایان ت کوشی (کوشیگ) / رایان کوشیگه ت Râyân kwəšêgat/ Râyân tə kwəšê(g)	ت کوشری / (tə) kwəšəri
	سوم شخص مفرد	رایان علی کوشی (کوشیگ) Râyân ali kwəšê(g)	علی کوشریگ / Ali kwəšəreğ
	اول شخص جمع	رایان نیمه کوشی (کوشیگ) / رایان کوشیگه تان Râyân ima kwəšê(g)/ Râyân kwəšêgamän	نیمه کوشریه یمن / ima kwəšəryaimən
	دوم شخص جمع	رایان نیوه کوشی (کوشیگ) / رایان کوشیگه تان Râyân iwa kwəšê(g)/ Râyân kwəšêgatän	نیوه کوشرن / Iwa kwəšəren
	سوم شخص جمع	رایان وانه کوشی / رایان کوشیگیتان Râyân wāna kwəšê(g)/ Râyân kwəšêgəyân	وانه کوشرن / wāna kwəšəren

در مقایسه جملات معلوم و مجهول در دو زبان فارسی و کردی ایلامی در خصوص زمان مضارع اخباری با توجه به تفاوت‌های مشهود، نکته قابل توجه که وجه افتراق دو زبان است این است که در دو صیغه دوم شخص جمع و سوم شخص جمع علی‌رغم مشابه بودن نوع فعل مجهول، ضمیر فاعلی به عنوان نهاد در هر کدام باید بیان شود؛ زیرا در صورت استفاده نشدن ابهام در مفهوم به وجود می‌آید؛ البته این موضوع در اکثر زبان‌ها صدق می‌کند.



جدول شماره (۱۲). معلوم و مجهول فعل مضارع التزامی در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص / مفعول	معلوم	مجهول
فارسی	اول شخص مفرد	نکند رایان من را بکشد	نکند (من) کشته بشوم
	دوم شخص مفرد	نکند رایان تو را بکشد	نکند (تو) کشته بشوی
	سوم شخص مفرد	نکند رایان او را بکشد	نکند او کشته بشود
	اول شخص جمع	نکند رایان ما را بکشد	نکند (ما) کشته بشویم
	دوم شخص جمع	نکند رایان شما را بکشد	نکند (شما) کشته بشوید
	سوم شخص جمع	نکند رایان آنها را بکشد	نکند (آنها) کشته بشوند
کردی ایلامی	اول شخص مفرد	نه‌که‌ئ رایان بکوشیگه‌م (م بکوشی) nakaê Râyân bəkwəšəgam/ me bəkwašê (g)	نه‌که‌ئ م بکوشم nakaê (me) bəkwašəram
	دوم شخص مفرد	نه‌که‌ئ رایان بکوشیگه‌ت (ت بکوشی (بکوشیگ)) nakaê Râyân bəkwašêgat/ tə bəkwašê(g)	نه‌که‌ئ (ت) بکوشریت (بکوشریت) nakaê (tə) bəkwašêri(t)
	سوم شخص مفرد	نه‌که‌ئ رایان علی بکوشی (بکوشیگ) nakaê Râyân ali bəkwašê(g)	نه‌که‌ئ علی بکوشی nakaê ali bəkwašəre(g)
	اول شخص جمع	نه‌که‌ئ رایان بکوشیگه‌مان (نیمه بکوشی (بکوشیگ)) nakaê Râyân bəkwašêgamän/ ima bəkwašê(g)	نه‌که‌ئ (نیمه) بکوشریم (بکوشریمن) nakaê (ima) bəkwašərim(en)
	دوم شخص جمع	نه‌که‌ئ رایان نیوه بکوشی (بکوشیگ) nakaê Râyân iwa bəkwašê(g)	نه‌که‌ئ نیوه بکوشن nakaê iwa bəkwašəran
	سوم شخص جمع	نه‌که‌ئ رایان وانه بکوشی (بکوشیگ) nakaê Râyân wāna bəkwašê(g)	نه‌که‌ئ وانه بکوشن nakaê wāna bəkwašəran

در جملات التزامی، گاه بیان فعل به تنهایی، درک پیام جمله را مشکل می‌کند و مطابق جدول بالا، رفع ابهام و فهم معنا با استفاده از واژه «نکند/nakaê» انجام می‌شود.



جدول شماره (۱۳). معلوم و مجهول فعل ماضی ساده در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

زبان	شخص / مفعول	معلوم	مجهول
فارسی	اول شخص مفرد	رایان من را بوسید	(من) بوسیده شدم
	دوم شخص مفرد	رایان تو را بوسید	(تو) بوسیده شدی
	سوم شخص مفرد	رایان علی را بوسید	علی بوسیده شد
	اول شخص جمع	رایان ما را بوسید	(ما) بوسیده شدیم
	دوم شخص جمع	رایان شما را بوسید	(شما) بوسیده شدید
	سوم شخص جمع	رایان آنها را بوسید	(آنها) بوسیده شدند
کردی ایلامی	اول شخص مفرد	رایان (ماچ م) ماچم کرد Râyân (mâč-ə mə) mâčəm kərd	م ماچ کریام / mə mâč kəryâm
	دوم شخص مفرد	رایان (ماچ ت) ماچت کرد Râyân (mâč-ə tə) mâčət kərd	ت ماچ کریای (کریایت) / tə mâč kəryây(t)
	سوم شخص مفرد	رایان ماچ علی کرد Râyân mâč-ə ali kərd	علی ماچ کریا Ali mâč kəryâ
	اول شخص جمع	رایان (ماچ نیمه) ماچمان کرد Râyân (mâč-ə ima) mâčəmân kərd	نیمه ماچ کریایمن / ima mâč kəryâyəmən
	دوم شخص جمع	رایان ماچ ئیوه کرد Râyân mâč-ə iwa kərd	ئیوه ماچ کریان / iwa mâč kəryân
	سوم شخص جمع	رایان ماچ وانه کرد Râyân mâč-ə wâna kərd	وانه ماچ کریان / wâna mâč kəryân

«صفت مفعولی + بن ماضی + شناسه»، ساخت مجهول گذشته ساده در زبان فارسی و «بن فعل + Yâ + شناسه»، ساخت مجهول زمان مذکور در گویش کردی ایلامی است. البته در سوم شخص مفرد معمولاً شناسه‌ای اضافه نمی‌شود؛ یعنی تکواژ صفر است.



جدول شماره (۱۴). معلوم و مجهول فعل ماضی استمراری در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

مجهول	معلوم	شخص / مفعول	زبان
من بوسیده می شدم	رایان من را می بوسید	اول شخص مفرد	فارسی
تو بوسیده می شدی	رایان تو را می بوسید	دوم شخص مفرد	
علی بوسیده می شد	رایان علی را می بوسید	سوم شخص مفرد	
ما بوسیده می شدیم	رایان ما را می بوسید	اول شخص جمع	
شما بوسیده می شدید	رایان شما را می بوسید	دوم شخص جمع	
آنها بوسیده می شدند	رایان آنها را می بوسید	سوم شخص جمع	
م ماچ دکریام / mə mâč dəkeryâm	رایان ماچ م دکرد / Řâyân mâč-ə mə dəkərd	اول شخص مفرد	کردی ایلامی
ت ماچ دکریای (کریایت) / tə mâč dəkeryây(t)	رایان ماچ ت دکرد / Řâyân mâč-ə təkəkərd	دوم شخص مفرد	
عهلی ماچ دکریا / Ali mâč dəkeryâ	رایان ماچ عهلی دکرد / Řâyân mâč-ə ali dəkərd	سوم شخص مفرد	
ئیمه ماچ دکریایمن / ima mâč dəkeryâymen	رایان ماچ ئیمه دکرد / Řâyân mâč-ə ima dəkərd	اول شخص جمع	
ئیوه ماچ دکریان / iwa mâč dəkeryân	رایان ماچ ئیوه دکرد / Řâyân mâč-ə iwa dəkərd	دوم شخص جمع	
وانه ماچ دکریان / wâna mâč dəkeryân	رایان ماچ وانه دکرد / Řâyân mâč-ə wâna dəkərd	سوم شخص جمع	

ساختار مجهول گذشته استمراری در زبان فارسی، عبارت است از: «صفت مفعولی + می + بن ماضی ساده + شناسه». آنچه این ساختار را به زبان کردی شبیه می کند استفاده از *də* است که تقریباً معادل «می» در زبان فارسی است.



جدول شماره (۱۵). معلوم و مجهول فعل ماضی نقلی در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

مجهول	معلوم	شخص / مفعول	زبان
من شناخته شده‌ام	رایان من را شناخته است	اول شخص مفرد	فارسی
تو شناخته شده‌ای	رایان تو را شناخته است	دوم شخص مفرد	
علی شناخته شده است	رایان علی را شناخته است	سوم شخص مفرد	
ما شناخته شده‌ایم	رایان ما را شناخته است	اول شخص جمع	
شما شناخته شده‌اید	رایان شما را شناخته است	دوم شخص جمع	
آنها شناخته شده‌اند	رایان آنها را شناخته است	سوم شخص جمع	
م ناسیامه / me nâsâyâma	رایان م ناسیه / Râyân mē nâsêya	اول شخص مفرد	کردی ایلامی
ت ناسیایته / tē nâsâyâyta	رایان ت ناسیه / Râyân tē nâsêya	دوم شخص مفرد	
عهلی ناسیایگه / Ali nâsâyâga	رایان عهلی ناسیه / Râyân ali nâsêya	سوم شخص مفرد	
ئیمه ناسیایمنه / ima nâsâyâymena	رایان ئیمه ناسیه / Râyân ima nâsêya	اول شخص جمع	
ئیوه ناسیایینه / iwa nâsâyâyina	رایان ئیوه ناسیه / Râyân iwa nâsêya	دوم شخص جمع	
وانه ناسیاینه / wâna nâsâyâyana	رایان وانه ناسیه / Râyân wâna nâsêya	سوم شخص جمع	

در مقایسه فعل ماضی نقلی مجهول در زبان فارسی و کردی ایلامی، می‌توان یک قاعده را معادل‌سازی کرد. این ساختار در زبان فارسی، عبارت است از: «صفت مفعولی + شده + واژه‌بست^۱ مناسب (ام، اید، است، ایم، اید، اند)» و در گویش کردی ایلامی، عبارت است از: «بن فعل + Yâ + شناسه + a». می‌توان گفت که استفاده از Yâ در گویش ایلامی، معادل «شده» در زبان فارسی است.

1. clitic



جدول شماره (۱۶). معلوم و مجهول فعل ماضی بعید در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی

مجهول	معلوم	شخص / مفعول	زبان
من بوسیده شده بودم	رایان من را بوسیده بود	اول شخص مفرد	فارسی
تو بوسیده شده بودی	رایان تو را بوسیده بود	دوم شخص مفرد	
علی بوسیده شده بود	رایان علی را بوسیده بود	سوم شخص مفرد	
ما بوسیده شده بودیم	رایان ما را بوسیده بود	اول شخص جمع	
شما بوسیده شده بودید	رایان شما را بوسیده بود	دوم شخص جمع	
آنها بوسیده شده بودند	رایان آنها را بوسیده بود	سوم شخص جمع	
م ماچ کریاؤم / me mâč keryâüm	رایان ماچ م کردۆ / Râyân mâč-ə mə kerdü	اول شخص مفرد	کردی ایلامی
ت ماچ کریاؤت / tə mâč keryâüt	رایان ماچ ت کردۆ / Râyân mâč-ə tə kerdü	دوم شخص مفرد	
علی ماچ کریاؤگ / Ali mâč keryâüg	رایان ماچ علی کردۆ / Râyân mâč-ə ali kerdü	سوم شخص مفرد	
نیمه ماچ کریاؤمن / ima mâč keryâümən	رایان ماچ نیمه کردۆ / Râyân mâč-ə ima kerdü	اول شخص جمع	
نیوه ماچ کریاؤن / iwa mâč keryâün	رایان ماچ نیوه کردۆ / Râyân mâč-ə iwa kerdü	دوم شخص جمع	
وانه ماچ کریاؤن / wâna mâč keryâün	رایان ماچ وانه کردۆ / Râyân mâč-ə wâna kerdü	سوم شخص جمع	

ساخت ماضی بعید مجهول در زبان فارسی - به عنوان آخرین مورد بیان شده در این پژوهش - عبارت است از: «صفت مفعولی + شده + بود + شناسه» که معادل «بود» در گویش کردی ایلامی، «أ/ئا» است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سه زمان آینده، حال و گذشته در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی بررسی شد. در ادامه نتایج حاصل این بررسی ذکر می‌شود:

زمان آینده: ساخت مختص به این زمان در زبان فارسی، «خواه + شناسه + بن فعل ماضی» است؛ اما در زبان کردی ساختار بخصوصی برای این زمان وجود ندارد و حال ساده (مضارع ساده/ اخباری) مفهوم آینده را القا می‌کند؛ البته در زبان فارسی نیز از مضارع اخباری در مفهوم آینده استفاده می‌شود.

مضارع: مضارع اخباری در زبان فارسی با اضافه کردن «می» به بن مضارع + شناسه ساخته می‌شود؛ در حالی که در گویش کردی ایلامی صرفاً اضافه کردن شناسه به آخر بن فعل، این زمان را نشان می‌دهد. در مضارع استمراری بین دو زبان فارسی و کردی ایلامی، تشابه بیشتری وجود دارد و در هر دو با صرف فعل «داشتن» + مضارع اخباری ساخته می‌شوند. وجه تشابه



فعل مضارع التزامی در هر دو زبان، اضافه کردن «ب/b» به ابتدای بن مضارع + شناسه‌هاست. گذشته: در گذشته ساده، نقش اصلی بر عهده شناسه‌هاست که به بن ماضی اضافه می‌شوند. در ارتباط با زمان گذشته استمراری می‌توان گفت که «می» در زبان فارسی نشان استمرار فعل است؛ اما در زبان کردی ایلامی، این نقش را «da/d» بر عهده دارد که به ابتدای ماضی ساده اضافه می‌شود. «ام، اید، است، ایم، اید و اند» در زبان فارسی در ساخت فعل ماضی نقلی به کار می‌روند. در کردی ایلامی این فعل با اضافه کردن «a/e» به پایان فعل ماضی ساده ساخته می‌شود و در صیغه سوم شخص مفرد، پیش از افزودن «a/e» به بن ماضی ساده، حرف «g/گ» به عنوان میانجی قرار می‌گیرد و این نتیجه با نتیجه مذکور در مقاله آزادی (۱۴۰۱) همخوانی دارد. ساختار ماضی بعید در گویش کردی ایلامی به این صورت است که «ü/أ» به بن فعل ماضی اضافه می‌شود و پس از آن شناسه می‌آید؛ در واقع «ü/أ»، مشابه اضافه کردن «بود» به صفت مفعولی در ساخت این فعل در زبان فارسی است. شاید بیشترین وجه شباهت دو زبان فارسی و کردی گویش ایلامی در ساخت فعل، مربوط به زمان ماضی مستمر و بیشترین وجه افتراق، مربوط به ماضی التزامی باشد؛ در واقع ساخت این نوع فعل در گویش کردی گویش ایلامی، پیچیده دارد.

برای ساخت جملات پرسشی بله/خیر در زبان فارسی، «آیا» به آغاز جمله اضافه می‌شود؛ اما در گویش کردی ایلامی، این نقش به عهده آهنگ کلام است؛ البته گاهی از «آیا» نیز استفاده می‌شود؛ اما عمومیت ندارد. منفی کردن فعل در زبان فارسی و گویش کردی ایلامی، با اضافه کردن «ن» به ابتدای فعل انجام می‌شود؛ با این تفاوت که در زمان گذشته استمراری، در فارسی «ن» منفی‌ساز، پیش از نشان استمرار فعل (می) قرار می‌گیرد (می خواندی ← نمی خواندی)؛ حال آنکه در گویش کردی ایلامی، نشان استمرار فعل (da) حذف می‌شود و علامت منفی‌ساز «nya» جایگزین آن می‌شود.

نکات قابل توجه در مقایسه ساختار معلوم و مجهول در دو زبان مورد بررسی، عبارت بودند از: در فعل گذشته ساده مجهول، Yâ در گویش ایلامی، معادل «شد» در زبان فارسی است. در زمان گذشته استمراری مجهول، «می» و «de» یک نقش را در جمله دارند. ساختار ماضی نقلی مجهول در گویش کردی ایلامی (بن فعل + Yâ + شناسه + a)، معادل «صفت مفعولی + شده + واژه‌بست مناسب» در زبان فارسی است. نکته قابل توجهی که در مورد مجهول کردن ماضی بعید وجود دارد این است که «ü» در گویش کردی ایلامی در حکم فعل «بود» در زبان فارسی است و عمده‌ترین تفاوت در صیغه‌های دوم و سوم جمع خود را نشان داده است.

مقایسه صیغه‌های فعل در دوم شخص و سوم شخص جمع، مؤید نکته‌ای است که پالیزبان (۱۳۹۱) به آن اشاره کرده است: در کردی ایلامی، برخلاف دیگر گویش‌های زبان کردی که شش صیغه از فعل وجود دارد، دستگاه فعل پنج صیغه‌ای است. این فرایند ادغام یا همایندی نامیده می‌شود.



منابع و مأخذ

- الف) فارسی
- آزادی، سکینه (۱۴۰۱)، «مقایسه وجه فعل در گویش های کردی فیلی و کردی کلهری از گویش های کردی جنوبی»، ادبیات و زبان های محلی ایران زمین، ۲(۱۲)، صص ۲-۱۴.
- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۷۴)، دستور زبان فارسی امروز، تهران: قطره، ۲۱-۴۳.
- اکبری، منوچهر و مونا ولی پور (۱۳۹۵)، «نقد و تحلیل انواع وجه فعلی در فارسی»، ادب فارسی، ۶(۱)، صص ۱-۱۵.
- امامی، حسن و مهدی سبزه (۱۳۹۲)، «مقایسه نظام آوایی گویش کرمانجی خراسانی و کردی ایلامی»، فرهنگ ایلام، دوره ۱۴، شماره ۴۰ و ۴۱.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۹۰)، دستور زبان فارسی ۲، ویرایش چهارم، تهران: فاطمی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- پاکروان، حسین (۱۳۸۱)، «نگرشی ویژه به نمود مجهول در زبان فارسی»، علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، شماره ۱، دوره ۳۵، صص ۳۵-۵۲.
- پالیزیان، کرم الله (۱۳۹۱)، «بررسی دستگاه فعل و قابلیت های ساخت واژگی گویش کردی ایلامی»، فرهنگ ایلام، شماره ۳۴ و ۳۵.
- خزلی، مسلم و سکینه آزادی (۱۳۹۷)، «جستاری در قواعد صرفی و نحوی گویش کردی جنوبی (با بررسی موردی سه زیرگویش خزلی، لکی کلهری)»، ادبیات و زبان های محلی ایران زمین، دوره ۸، شماره ۲، صص ۴-۱۶.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۵۲)، دستور زبان فارسی، تبریز: کتابفروشی تهران.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۴)، «مجهول در زبان فارسی»، مجله زبانشناسی، شماره ۳، صص ۳۱-۴۶.
- شیرینی، علی اکبر (۱۳۸۲)، «صرف فعل در گویش ایلامی»، فرهنگ ایلام، شماره ۱۵، صص ۱۴۸-۱۵۴.
- قریب، عبدالعظیم (۱۳۸۸)، دستور زبان فارسی به اسلوب السنه مغرب زمین، چ سی ام، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- کریمی، یادگار و زاتیار نقشبندی (۱۳۹۰)، «ساخت های فعلی استمراری - تأکیدی در گویش هورام»، پژوهش های زبانی، ۱(۲)، صص ۹۳-۱۰۰.
- کریمی دوستان، غلامحسین و رحمان ویسی (۱۳۸۷)، «حفظ یک ماده ساز باستانی در ساخت مجهول در زبان کردی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۶۰.
- مشکوه الدینی، مهدی (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، تهران: سمت.
- منصوره جمشیدی، حشمت (۱۳۹۳)، به بیان ده ناسو و (طلوعی در افق)، تصحیح محمدجلیل بهادری، ایلام: رامان.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۲)، دستور زبان فارسی، چ دوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واحدی لنگرودی، محمد مهدی (۱۳۷۷)، «ساخت های فعلی مجهول با شدن در زبان فارسی»، مدرس، شماره ۷، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی، چ دهم، تهران: سمت.

ب) انگلیسی

- Katamba, F. (1993). Morphology. London: New York. P. 221
- Lambton, Ann K.S. 1953[1984]. Persian Grammar. Cambridge University Press.
- Moyne, John (1974), the so-called Passive in Persian, Foundation of Language 12, pp-249 267.
- Tayyeb, S.M.T. (2001) "A Functional-Typological approach to passive in contemporary.